



پاسخگویی و الگوی علوی (۱)

محمد عابدی

بَغِضٍ فَجَعَلَهَا تَتَكَافَأُ فِي وُجُوهِهَا وَيُوجِبُ
بَغِضَهَا بَغِضاً وَلَا يَسْتَوْجِبُ بَغِضَهَا إِلَّا بَغِضٌ؛^۱
خداوند پاک از حقوق خود، حقوقی را
برای بعضی مردم بر برخی دیگر
واجب کرد و آن حقوق را در برابر هم
گذاشت که برخی از حقوق، برخی
دیگر را واجب گرداند و حقی [بر
کسی] واجب نمی شود، مگر در مقابل
برخی دیگر.»

۲. بالاترین جلوه حقوق متقابل در

ارتباط حاکم و مردم

امام علی علیه السلام در کنار اثبات حقوق

فرهنگ پاسخگویی حاکمان
پاسخگویی حاکمان از جمله
فرهنگهای نهادینه شده حکومت
علوی است که مبنای آن را - به اختصار -
چنین می توان توضیح داد:
۱. تعامل افراد جامعه براساس حقوق

متقابل

از نگاه امام علی علیه السلام زندگی
جمعی مردم بر پایه حقوق متقابل و
رعایت آنهاست و برای نظام مند شدن
حیات اجتماعی چاره ای جز رعایت
حقوق همدیگر وجود ندارد. آن
حضرت می فرماید: «ثُمَّ جَعَلَ سُبْحَانَهُ مِنْ
حُقُوقِهِ، حُقُوقاً افْتَرَضَهَا لِبَغِضِ النَّاسِ عَلَيَّ

۱. نهج البلاغه، خ ۲۱۹.

وظائف حاکم، امری قراردادی بین مردم و اوست.

با این دیدگاه، حاکمان امانت دارانی الهی اند که باید پاسدار امانتی باشند که خدا به آنان سپرده است. پس حکومت نه تنها لقمه‌ای چرب برای بلعیدن نخواهد بود، بلکه امانتی گران بر گردن آنان است؛ «وَإِنَّ عَمَلَك لَبَشِيرٌ لِّكَ بِطَعْنَةٍ وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ.»^۱ و حکومت وسیله‌ای برای خدمت به مردم و رتق و فتق امور آنان است که: «وَقَدْ اسْتَفْكَكَ أَنْفَرَهُمْ وَابْتَلَاكَ بِهِمْ»^۲ [خداوند] انجام امور مردم را به تو واگذار کرده و آنان را وسیله آزمون تو قرار داده است.^۳

رهبر معظم انقلاب بر این پایه معتقد است: مردم سالاری دینی بر خلاف دموکراسیهای ریاکار و عوام فریب، نظام خدمت رسانی خالصانه و بی منت است؛ خدمت از سر ادای وظیفه و همراه پاکدستی و پاکدامنی.^۴

اجتماعی مردم نسبت به یکدیگر که برخاسته از حق الهی است، والاترین جلوه آن را در ارتباط حاکم و مردم، چنین بیان می‌کند: «وَاعْظَمُ مَا افْتَرَضَ سُبْحَانَهُ مِنْ تِلْكَ الْحُقُوقِ حَقُّ الْوَالِي عَلَى الرَّعِيَّةِ وَحَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْوَالِي فَرِيضَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكُلِّ عَلَى كُلِّ فَعَجَّلَهَا نِظَامًا لِأَلْفِهِمْ وَعِزًّا لِدِينِهِمْ»^۱ بالاترین چیزی که خداوند از آن حقوق واجب کرد، حق حاکم بر مردم و حق مردم بر والی است؛ فریضه‌ای که خدای سبحان برای هر یک بر دیگری واجب کرده و آن را موجب پایداری پیوند آنها و عزت دین آنان قرار داده است.»

۳. خدمت‌گزاری به صاحبان حق

نکته مهمی که در پیش امام علی (علیه السلام) نسبت به تعامل حاکمان و مردم و حقوق آنها وجود دارد، این است که امام علی (علیه السلام) معتقد است اگر حاکم وظیفه‌ای در مقابل مردم دارد، این وظیفه را خدا بر دوش او گذاشته است. از این روی، انجام وظیفه (برآوردن حقوق مردم) واجب الهی است و خداوند از حاکم خواسته است به امور مردم رسیدگی کند؛ نه اینکه

۱. همان.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵.

۳. همان، نامه ۵۳ (نامه به مالک اشتر).

۴. پیام رهبر معظم انقلاب به شوراهای اسلامی.

کرده بودند، اینجا بودند. یکی از آنها جلوی چشم من این را نوشت؛ چون حرفهایی می‌زدند که از نظر من حق نبود و می‌گفتم: نمی‌پذیرم. پرسیدم: آنها نوشته‌اند، تو هم تحمل کردی، حالا چرا پاکش نمی‌کنی! گفت: این باید بالای سرم باشد تا همه بدانند وزیر آموزش و پرورش جمهوری اسلامی تا این اندازه اجازه می‌دهد مردم بیایند و حرف خود را بزنند. حالا یا حرف ما را می‌پذیرند و می‌روند یا عناد دارند که باز باید امکان بدهیم حرفشان را بزنند و مخالفشان را اعلام کنند.^۲

جلوه‌هایی از پاسخ‌گویی در

سیره علوی

حاکمان در نظام اسلامی از دیدگاه امام علی علیه السلام در برابر دو دادگاه باید پاسخ‌گو باشند: مردم و خداوند.^۳

۱. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۴۵۶.

۲. فرصت خدمت، ص ۴۱؛ رمز جاودانگی، ص ۱۰۴، به نقل از عباس صاحب الزمانی، دوست شهید تا لحظه شهادت.

۳. ر.ک: نهج البلاغه، خ ۲۱۶: «لَا خِرَاجَ نَفْسِي إِلَى اللَّهِ مُنْبَاهَةً وَإِلَيْكُمْ مِنَ النَّبِيِّ فِي حُقُوقِ كَمِ افْتَرِغَ مِنْ أَدَانِيهَا...»

و امام خمینی رحمه الله در جمله‌ای ماندگار فرمود: «اگر خدمت به مردم کردید، مقام برای شما صلاحیت دارد.»^۱

۴. پاسخ‌گویی حاکمان، فرهنگی علوی

روی دیگر خدمت‌گزار بودن حاکمان، این است که مردم می‌توانند از خدمت‌گزاران خود پرسش کنند، و حاکمان وظیفه پاسخ‌گویی به آنان دارند؛ همان‌طور که در بخش حقوق حاکمان، مردم وظیفه پاسخ‌گویی دارند.

از این روست که رهبر انقلاب با طرح مسئله پاسخ‌گویی مسئولان، در پی احیای سیره علوی در حکومت داری برآمده است و اگر نظام مدیریتی کشور به این شیوه وفادار بماند، به نظام مطلوب علوی نزدیک‌تر خواهد شد. این فرهنگ به رغم اندیشه برخی کوته‌بینان قابل اجراست، از جمله در سیره حکومتی شهید رجایی رحمه الله می‌خوانیم:

«با میخ روی دیوار بالای سرش نوشته شده بود: «رجایی ارتجاعی!» پرسیدم: چه کسی این را نوشته است؟ گفت: عده‌ای از معلمهایی که اعتصاب

۱. پاسخ گویی به خداوند

امام علی علیه السلام در تمام دوران حکومت به فکر پاسخ گویی به محضر الهی بود. او «یوم الحساب» را به یاد می آورد و به نیکی می دانست، خداوند «سریع الحساب»^۱ است و «اسرع الحاسبین»^۲ و کسی توان تیرئه شدن در آن دادگاه حساب رسی را جز با رحمت الهی ندارد.^۳

عقیل، برادر امام که بیست سال از حضرت علی علیه السلام بزرگ تر و از هر دو چشم نابینا بود، عائله سنگینی داشت و ناتوان بود و چون حقتش را از بیت المال گرفته بود، دیگر سهمی نداشت و فقر، او را از پا انداخته بود؛ لذا نزد برادرش امیر مؤمنان آمد و تنها سه کیلو گندم از سهم مسلمانان را می خواست، در حالی که فرزندانش با گرسنگی جان فرسایی دست به گریبان بودند و رنگ چهره همه آنان از شدت ضعف پریده بود.

وی آن قدر اصرار کرد که سرانجام، امام برای تنبه وی آهن را داغ و به او نزدیک کرد. عقیل با احساس آتش فریاد کشید و آن گاه امام فرمود:

«أَتَيْتُ مِنْ حَدِيدَةٍ أَحْمَاهَا إِنْسَانُهَا لِيَعْبِدَهُ وَ تَجَرَّتْ نِيَّ إِلَى نَارٍ سَجَرَهَا جَبَّارُهَا لِيَقْضِيَهُ أَتَيْتُ مِنْ الْأَذَى وَلَا أَتَيْتُ مِنْ لَطْفِي»^۴ از حرارت آهنی می نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است! اما مرا به آتش دوزخی می خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گذاخته است! تو از یک آزار کوچک می نالی، من از آتش خشم خدا ننالم!

در انقلاب اسلامی نیز حاکمانی که فرهنگ علوی را در حکمرانی جلوه گر می سازند، وجود داشته و دارند. یکی از اعضای دفتر نخست وزیر شهید رجایی می گوید: «نیمه های شب رفتیم تا برای سحری بیدارش کنیم. دیدیم در نیمه باز است و ایشان چراغی کوچک روشن کرده و در اتاق راه می رود و در حالی که بلند بلند گریه می کند، با دست روی میزند و می گوید: خدایا! مرا به این میز وابسته نکن. خدایا! تو را قسم

۱. آل عمران / ۱۲۹.

۲. انعام / ۶۲.

۳. نور / ۲۱.

۴. نهج البلاغه، خ ۲۲۴ (خطبه در تبری از ظلم).

می‌دهم مرا با این میز و مسنولیت امتحان نکن...»^۱

همین طور در جلسه‌ای که بحث از روز قیامت و حساب و کتاب الهی شد، او گفت: اول به یک مرتبه پایین‌تر فکر کنید! ببینید اگر خدا همه شهیدان را در روز قیامت به صف کند و آنها از شما پرسند: با این انقلاب که به دستتان دادیم، چه کردید؟ چه جوابی خواهید داشت؟ اگر جواب شهیدان را دادید، جواب خدا را هم می‌توانید بدهید.^۲

۲. پاسخ‌گویی به مردم

دومین جلوه پاسخ‌گویی در سیره علوی، پاسخ به مردم است. انجام این کار از دو طریق ممکن است: الف) ارتباط مستقیم با مردم و شنیدن پرسشهای آنان؛

ب) فعال کردن سیستمهای نظارتی دقیق و ترتیب اثر دادن جدی به گزارشاتشان. هر دو راهکار، نمونه‌های فراوانی در سیره علوی دارد.

الف) ارتباط با مردم

امام در بخشی از نامه‌اش به مالک اشتر می‌نویسد: «وَاجْعَلْ لِدَوَى الْحَاجَاتِ

مِنْكَ قِسْمًا تُفَرِّغُ لَهُمْ فِيهِ شَخْصَكَ وَ تَجْلِسُ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًا فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ وَ تَقْعُدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَ أَغْوَانَكَ مِنْ أَخْرَاسِكَ وَ تُسْرِطُكَ حَتَّى يَكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرِ مُتَتَعَبٍ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقَّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرِ مُتَتَعَبٍ ثُمَّ اخْتَمِلِ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِيَّ وَ نَسَّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَالْأَنْفَ يَبْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ وَ يُوجِبُ لَكَ كُتُوبَ طَاعَتِهِ وَ أَعْطَى مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئًا وَ أَمْنَعٍ فِي إِجْمَالٍ وَ إِخْذَارٍ؛^۳ بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده، فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخن‌گوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کنند. بارها از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: ملتی که در میان آنان حق ناتوانان از زورمندان بی اضطراب و بهانه گرفته

۱. فرصت خدمت، ص ۱۵۶.

۲. همان، ص ۱۱۲.

۳. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ... ﴿فَإِذَا قَرَأْتَ كِتَابِي فَاتَّقِ اللَّهَ لَعَلَّكَ تُتَّقَىٰ مِنْ عَذَابِي فَتَنْقِضُ الْعَهْدَ﴾^۱ به نام خداوند بخشاینده بخشایشگر. دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است که حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی نگاهید و در روی زمین فساد نکنید! وقتی نامه مرا خواندی، آنچه در رابطه با مسئولیت پیش توست، محفوظ بدار تا مأمور ما بیاید و تحویل بگیرد. والسلام.» امام آن را لاک و مهر نکرد و سرگشاده به من داد تا بتوان بیشتری به شهرم برگردم.»

رفتار شهید رجایی به عنوان نمونه امروری هم نشان دهنده عملی بودن چنین ارتباط مستقیمی است. او می‌گفت: «عمیقاً معتقدم که بسیار به جا و درست است که ما اعضای دولت میان مردم برویم. مشکلات را از زبان خود آنها بشنویم. چه بسا راه‌های بسیار جالبی به ذهن یک برادر ما در دورترین روستاها

۱. اعراف / ۸۵.

۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۱ (چاپ بیروت).

نشود، رستگار نخواهد شد. پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن و تنگ خوئی و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت را به روی تو بگشاید و به تو پاداش اطاعت دهد. آنچه به مردم می‌بخشی، بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری، با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد.» علاوه بر این توصیه‌ها، در عمل نیز امام علی علیه السلام امکان ارتباط مستقیم با مردم را در حکومتش همواره حفظ کرد. سوده همدانی می‌گوید: روزی برای شکایت از مردی (مأمور صدقات) خدمت امام رفتم. او مشغول نماز (مستحبی) بود. با دیدن من نمازش را تمام کرد و با مهربانی پرسید: نیازی داری؟ من کارم را گفتم. او گریست و گفت: خدایا! تو بر من و اینان گواهی و نیک می‌دانی که ایشان را برای ستم کردن به بندگان مأمور نکرده‌ام. آن‌گاه قطعه پوستی از جیب خود در آورد و چنین نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَدْ جَاءَ تَكْمٌ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ

وفادار میانشان بگمار که مراقبت و بازرسی ناپیدای تو، به رعایت امانت و مدارای با مردم ناگزیر شان می‌کند. پس اگر یکی از ایشان به خیانت دست زد و گزارش جاسوسان تو از راههای گوناگون چنین خبری را تأیید کرد، بی‌نیاز از گواهی گواهان به تنبیه‌اش دست بگشا و به میزان کردار نادرستش، بازخواستش کن! سپس در جایگاه خواری بنشانش، داغ خیانت بر او بگذار و قلاده ننگ و بدنامی به گردنش بیاویز!»

ادامه دارد....



بیاید که بتواند مشکل جامعه را حل کند؛ برخلاف آنکه خیال می‌کردند تنها مشکل ما آن است که یک الگو از غرب یا یک الگو از شرق داشته باشیم»^۱

(ب) سیستمهای نظارتی کارآمد

از دیگر روشهایی که امام علی علیه السلام برای پاسخ‌گویی خود و کارگزارانش در حکومت داری در پیش گرفت، فعال کردن بازرسی و نظارت نظام‌مند بر ارکان حکومت بود. در این باره کافی است تنها نگاهی به نهج البلاغه ببندازیم.

از نگاه امام علی علیه السلام این نظارت چنان ضروری است که در نامه‌اش به مالک اشتر می‌نویسد: «ثُمَّ تَقَعَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأَمْرِهِمْ خِدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ... فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَنْخَابٌ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا قَبَسَطَتْ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةُ فِي بَدَنِهِ وَأَخَذَتْهُ بِمَا أَضَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلَةِ وَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَدْتَهُ عَارِ الشُّهْمَةِ»^۲ پس چگونگی رفتار کارگزاران خود را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و

۱. فرزند ملت در آینه انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۵۳.